



تفاوت نگاه اسلام به حکومت با دیگر آئین ها / همه شرایع آسمانی به سیاست توجه دارند

رئیس مرکز فرهنگ و معارف قرآن کریم گفت: سیاست الهی و خدایی آن چیزی که قرآن و پیامبر و ائمه معصومین(ع) برای سیاست می پسندند ...

رئیس مرکز فرهنگ و معارف قرآن کریم گفت: سیاست الهی و خدایی آن چیزی که قرآن و پیامبر و ائمه معصومین(ع) برای سیاست می پسندند این سیاست عین دیانت است و از دیانت قابل تفکیک نیست و آن دیانتی که حاکمیت ارزشهای الهی یا معصومین (ع) را بر نتابد آن نامی از دیانت دارد. حجت الاسلام محمدصادق یوسفی مقدم رئیس مرکز فرهنگ و معارف قرآن کریم در مورد وظایف دولت و حاکمیت در قبال مردم به خبرنگار مهر گفت: از نگاه اسلام دولت اسلامی مسئولیت های سنگین و مهمی بر دوشش در قبال جامعه اسلامی است. یکی حفظ ثبات برای جامعه اسلامی در ابعاد مختلف از حیث فرهنگی، اقتصادی، امنیتی و سیاسی است. مردم در سایه دولت اسلامی باید احساس آرامش و شخصیت و کرامت کنند.

وی ادامه داد: وظیفه دیگر دولت اسلامی مراقبت از ارزشهای حاکم و هنجارهای پذیرفته شده ملت در برابر تهاجم فرهنگی و سیاسی و اعتقادی دشمنان ملت است. دولت باید از ابزارهای مختلفی که در اختیار دارد مانند تشکیلات سیاسی، امنیتی و فرهنگی از هنجارها و ارزشهای پذیرفته شده ملت به خوبی دفاع کند. مسئله دیگر رصد کردن رفتارها و عملکرد دشمنان این ملت است که کسانی که منافع ملی کشور را مورد خطر قرار می دهند باید رفتار و عملکردشان رصد بشود و اقدامات لازم برای پیشگیری یا رفع آن عملکرد از سوی دولت اسلامی صورت گیرد.

استاد حوزه علمیه قم اظهارداشت: در مجموع می توان گفت دولت اسلامی عامل حفظ ثبات ملی و صیانت از ارزشها و هنجارهای ملی است و مراقبت از تهدیدهای خارجی را بر عهده دارد.

وی در مورد تکلیف مردم در قبال حکومت از دید اسلام هم گفت: مردم وظیفه دارند دولت را در پیشبرد اهداف و وظایفی که بر دوشش است کمک کنند. این وظیفه ملی و همگانی است و مسئولیتی است که خداوند از تک تک مسلمانان مطالبه کرده است و می خواهد بر اساس مفاد آیات شریفه قرآن و روایاتی که از جانب معصومین(ع) برای زندگی مردم در قبال دولت اسلامی تعیین شده عمل کنند. پس 1- کمک کردن و معاونت دولت وظیفه مردم است 2- گفتار و رفتار ناصحانه است یعنی باید خیرخواهی در گفتار و رفتار برای دولت اسلامی کاملاً جلوه گر باشد. خیرخواهی در گفتار به معنای این است که انسان نقدی منصفانه و ناصحانه در عملکرد دولت داشته باشد یعنی برای اینکه دولت با انحراف و چالش و گرفتاری مواجه نشود ملت مسلمان هر کدام اشکالی دیدند این اشکال را به دولت منتقل کنند.

استاد حوزه علمیه قم اظهارداشت: رفتار ناصحانه این است که سعی می کنند آنچه که دولت اسلامی را دچار چالش و گرفتاری می کند مرتکب نشوند.

یوسفی مقدم درمورد تفاوت رابطه دولت با مردم و بالعکس در آیین اسلام با دیگر ادیان هم اظهارداشت: در دولت اسلامی دو عامل بزرگ برای رابطه دولت با ملت وجود دارد یکی قانون است که تبلور آن قانون اساسی و بعد هم قوانینی است که مجلس مصوب می کند یا قوانینی که شورای عالی انقلاب فرهنگی یا شورای عالی قضایی تصویب می کند. اینها قوانینشان در کشور اجرا می شود. عامل اصلی ای که مردم و دولت با یکدیگر ارتباط برقرار می کنند قانون است در سایه و پناه قانون ایندو با یکدیگر ارتباط برقرار می کنند. یک عامل دیگر بسیار تعیین کننده در رابطه دولت با ملت است و آن نقش خداگونه بودن حاکمیت است. افزون بر اینکه بعد مردمی و قانونی در اینجا وجود دارد بعد الهی و خدایی هم در اینجا وجود دارد یعنی مسئولین در برابر خدا، خودشان را مسئول می دانند و همه افزون بر اینکه خودشان را ملزم به عمل به قانون می کنند باید خیرخواه ملت هم باشند. اگر خیرخواه ملت نباشند خدا و پیامبر خدا و ائمه معصومین(ع) از آنها راضی نمی شوند.

رئیس مرکز فرهنگ و معارف قرآن کریم تصریح کرد: جریان دولت جریانی در مسیر کسب رضایت خداست. لذا این محور و این عامل مهم نقش گذار در اصلاح منطقی و خداگونه بودن ارتباط دولت با ملت دارد از آن طرف هم ملت احساس می کند که به عنوان مجموعه و جماعت و امت اسلامی وظیفه دارد رفتار خودش را با دولت به گونه ای تعیین کند که موجب رضای خدای متعال باشد. از این جهت آنجایی که نقد می کند برای رضای خدا نقد می کند و آنجایی که تأیید می کند هم برای رضایت خدا تأیید می کند. در مجموع رضایت و خشمش بر اساس رضای خدا است که بسیار تأثیرگذار در رابطه دولت با ملت و در تصحیح رابطه ملت با دولت است.

یوسفی مقدم در مورد اینکه چرا اسلام به حکومت توجه کرده و تفاوت آن در این موضوع با دیگر ادیان مانند مسیحیت و یهودیت در چیست هم یادآور شد: از اساس وقتی خدا شرایع را برای مردم فرستاد خود نفس شریعت یک سلسله باید‌ها و نبایدهایی را در بر دارد که آن جنبه حکومتی هم دارد. همانطور که به ابعاد فردی و خانوادگی توجه دارد به ابعاد حکومتی هم توجه دارد و آنچه را که الان در ادیان به وجود آمده جریان تحریف شده ای است که در ادیان وجود دارد. یعنی اساس ادیان صاحب شریعت نه دین، ایجاد حاکمیت بوده است. لذا بسیاری از ادیان الهی تحریف شده اند. ولی دین مبین اسلام به دلیل اینکه تحریفی در آن به وجود نیامده آن واقعیت مهم خودش را حفظ کرده هر چند که بسیاری با نگاه های بیرون از منابع دینی خواستند رنگ غیر حکومتی به دین بزنند اما اساس دین و شریعت برای حکومت الله است. گو اینکه در این حاکمیت خدا بر مردم، مردم نقش و هویت اساسی در این جریان دارند و خداوند نقش مردم را در این حکومت پذیرفته است.

وی افزود: بنابراین دین مبین اسلام دینی است که تمام خصوصیات او با حکومت پیوند خورده است اگر تمام احکام دین را مورد ملاحظه قرار دهید می بینید در احکام اسلام جریان خلافت و حکومت امر قطعی و مسلمی است که بدون امامت و حکومت اصلاً مجتمع اسلامی به مفهوم واقعی خودش در خارج محقق نمی شود. اگر جامعه اسلامی با حکومت اسلامی زندگی نکند آن جامعه را نمی توان به مفهوم دقیق کلمه جامعه اسلامی گفت بلکه مسلمانانی هستند که در پرتو تعالیم اسلام زندگی می کنند اما مجتمع اسلامی که مراد حاکمیت ارزشهای اسلامی است جز با حکومت اسلامی امکان پذیر نیست.

رئیس مرکز فرهنگ و معارف قرآن کریم در مورد اینکه آیاتفاوت نگاه اسلام به حکومت با دیگر ادیان بیانگر نفی جدایی دین از سیاست نیست هم عنوان کرد: اساس شرایعی که بر پیامبران صاحب شریعت نازل شده برای این بوده که حکومت الهی در جامعه جریان پیدا کند. بنابراین سیاست به معنای صحیح کلمه از روز نخست که شریعت تعیین شد در جوامع توحیدی کلید خورد. منتها برای اینکه تحریف در ادیان توحیدی صورت گرفته سیاست از ادیان توحیدی فاصله گرفت. لذا حقیقت شرایع همان چیزی است که به معنای اجرای سیاست الهی در جامعه است لذا آن چه که الان در اسلام اجرا می شود و از اسلام توقع داریم همین مسئله عین هم بودن سیاست و دیانت است. یعنی سیاست الهی و خدایی آن چیزی که قرآن و پیامبر و ائمه معصومین(ع) برای سیاست می پسندند این سیاست عین دیانت است و از دیانت قابل تفکیک نیست. آن دیانتی که حاکمیت ارزشهای الهی یا معصومین (ع) را بر نتابد آن نامی از دیانت دارد و محتوایی از دیانت ندارد و لذا وجود ندارد.